

نقش قانون اساسی در رشد جامعه



نوشته پی از : نجیب الرحمن شمال

۲۳ می سال ۲۰۲۴ مصادف بود به ۷۵ مین سالگرد قانون اساسی کشور آلمان. قانون اساسی ایکه توسط سیاسیون ، اعضای حکومت و پارلمان آلمان طرح ، تدوین و تصویب گردید و الی امروز از اهمیت خاصی در جامعه آلمان برخوردار بوده و مورد تطبیق قرار دارد. قانونی که هفتادوپنج سال قبل از امروز و با ختم جنگ دوم جهانی ، یک کشور جنگ زده و ویران را چنان به پا ایستاد کرد و همه زمینه های رشد سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی را درکشور میسر ساخت که اصلاً کوچکترین تغییری در آن نیامده است.



بنام تفکر چنین دانشمندان ، فضلا، اعضای حکومت و پارلمان را که با تفکر عالی وطنپرستانه ، احساس مردمی و تعهد صادقانه شان نسبت به مردم و کشور خویش چنان قانونی را برای جامعه خود تقدیم نمودند که توانست همه نارسایی ها و کمبودی های گوناگون در عرصه های مختلف زنده گی این جامعه را از میان بردارد و کشور جنگ زده آلمان را به یک کشور مدرن دنیا ، دارای اقتصاد قوی و به یکی از کشورهای مطرح در منطقه و جهان مبدل نماید. این قانون برای بار اول حقوق زنان ومردان را در جامعه مساوی اعلان کرد و همه سیاسیون از احزاب مختلف سیاسی این کشور از این ماده قانون اساسی بصورت همه جانبه دفاع نمودند و در زمینه تطبیق کامل و همه جانبه قانون اساسی کشورشان

منحیث یک وثیقه ملی و مردمی حراست نمودند. قانون اساسی آلمان علاوه بر این موضوع زمینه های رفاه و آسایش، رشد تعلیمی، تحصیلی را نه تنها برای خود آلمانها، بلکه برای همه دانشجویان کشورهای مختلف نیز مساعد ساخت و با تدویر چندین دوره انتخابات آزاد و دموکراتیک مردم توانستند که با رأی آزاد و مستقیم خود نماینده های خود را به پارلمان کشور خود بفرستند و از ایجاد حکومت های مختلف تحت رهبری احزاب گوناگون و حتی حکومت های ایتلافی پشتیبانی نمایند و با تمثیل اراده شان در پارلمان کشور نقش بزرگی را در بخش رشد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شان ایفا نمایند. قانون اساسی آلمان مسایل گوناگون و پرابلم های روز افزون مردم، سطح رشدبیکاری و حتی ورود میلیونها مهاجر از سراسر دنیا وبخصوص کشورهای اسلامی را که از ظلم و استبداد افراطیون مذهبی کشورهای خود به اینجا پناه آورده اند، نیز در نظرگرفته و هرگونه اسباب معیشتی و تعلیمی را برای همه مردم و بطور یکسان فراهم نموده است که به همین دلیل و بخاطر ارایه خدمات بشری برای مهاجرین است که هنوزهم سیلی ازاین مهاجرین باقبول هرگونه خطر و حتی ازدست دادن جان های شیرین شان روانه این سرزمین اند. جایکه نظر به حکم قانون اساسی آن هیچ تبعیضی علیه انسان و انسانیت و علیه هیچ زن و مردی تعصب و بدبینی وجود ندارد. کشور آلمان با داشتن چنین یک قانون اساسی همه جانبه که حتی ۷۵ سال قبل مسایل رشد و انکشاف کشور وساختار جامعه انسانی را برای مردم خود به ارمغان داشته است، حق دراد که از سالگرد چنین قانون مدون که همه نیازمندی های اتباع این کشور را حتی در شرایط رشد اقتصادی قرن بیست ویکم تکافو نموده و جوابده میباشد، باید بنازند و بشکل گسترده و مردم از آن تجلیل بعمل آورند.

اما بیاید به کشور خود هم یک نگاه کوچکی بیاندازیم. کشورما هم از آلمان تا امروز حکومت های مختلف و قانون های اساسی گوناگونی را تجربه کرد و باتأسف که با هر تغییر سیاسی در سطح حکومت ها، قانون اساسی کشورما نیز دستخوش تغییرات به نفع رژیم ها شد. اما با وارد آوردن هر تعدیلات و تکمیلات نظر به تقاضای زمان، قانون اساسی اخیر کشورما به همان پختگی لازم رسید که نظیر آن در منطقه وجود نداشت که حتی همسایه های مداخله گر در امور داخلی کشورما، از هیچگونه توطیه پی در مقابل قانون اساسی کشورما دریغ نکردند. بالاخره امروز حاکمیتی در کشورما تسلط پیدا کرد که به بهانه تطبیق شریعت، همه قوانین و بخصوص قانون اساسی را که یک وثیقه ملی مردم ما بود به طاق نیسان گذاشتند که کشور عزیزما فعلاً در فقدان قانون اساسی بسر برده و آنرا با بحران ها و چالش های بزرگ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مواجه نموده است. گرچه تطبیق شریعت هم جایگاه و اهمیت خود را در جوامع اسلامی دارد، اما نظر به عصر و زمان امروزی و مقتضیات عصر حاضر، هرگز جوابگوی قانون اساسی کشور شده نمیتواند. این عدم موجودیت قانون در جامعه است که افغانستان در سه سال گذشته و با وجود تلاش های حکومت سرپرست، هرگز نتوانست جایگاه شایسته خود در مجامع بین المللی را بدست بیاورد و حتی هیچ یک از کشورهای جهان و حتی حامیان دیروزی طلبان هم حاضر به برسمیت شناخته شدن حکومت شان نشدند. همچنان بنابر عدم مودیت قانون اساسی در کشورماست که نیمی از پیکر جامعه ما را که زنان و دختران تشکیل میدهد، کاملاً به حاشیه رانده شده و با گذشت هر روز قیودات و سخت گیری های بیشتری علیه آنها وضع میگردد و آنها از کسب هر نوع آموزش و تحصیل محروم گردیده اند. تصمیم اخیر حکومت سرپرست مبنی بر هدم فعالیت های احزاب سیاسی در کشور و حتی جرم پنداشتن مردم در صورت نام بردن از احزاب سیاسی، لغو همه نهاد های جامعه مدنی و دفاع از حقوق شهروندی.... همه و همه ناشی از عدم موجودیت قانون اساسی در جامعه است که حدود و صغور فعالیت ها و صلاحیت های مسوولین در سطوح مختلف حکومت معلوم نیست و با تأسف که کار به اهل آن سپرده نشده و حتی

حکومت مورد دلخواه مردم تاهنوز تشکیل نگردیده است. به همینگونه میتوان به ده ها ناگواری های دیگر جامعه در عدم موجودیت قانون اساسی اشاره کرد که همه از آن واقف اند.

پس میتوان گفت که یک جامعه بدون قانون و بخصوص بدون داشتن قانون اساسی هرگز به رشد و تعالی نرسیده و پله های رشد اقتصادی و سیاسی را به دشواری پیموده و با گذشت هر روز به انزوای بیشتر کشانیده شده و مردم آن بیکارتر و فقیر تر شده ، زمینه های فرار مغزها در میان اقشار مختلف را بوجود میآورد که در آینده های نزدیک غیرقابل جبران میباشد. تا زمانیکه کشورما دارای یک قانون اساسی مدون و مورد قبول مردم ما نگردد، هرگز به صلح و ثبات دایمی دست نخواهیم وبا تلاش های مختلف هر قدر بخاطر رفاه مردم بکوشیم ، هرگز به جایی نخواهیم رسید و تعامل جهانیان با ما و کشورما هرگز قانون مند و فراگیرتر نخواهد شد.

با اغتنام از فرصت جشن ۷۵ مین سالگرد قانون اساسی کشور آلمان را که تجلیل از آن الی روز یکشنبه این هفته ادامه خواهد داشت، به همه مردم سعادت مند این کشور تبریک عرض میدارم.

زنده بادقانون و پاینده باد تطبیق قانون در سراسر جوامع بشری.

باحرمت

۲۳ می سال ۲۰۲۴

